

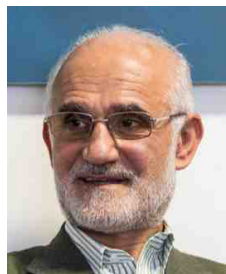
عوارض روانی بیشتر از عوارض جسمانی



مسعود مردانی
عضو ستاد ملی
مبارزه با کرونا

یکسال از شیوع بیماری کرونا در کره خاکی می‌گذرد و تعداد زیادی از مردم کشورهای مختلفی که عمدتاً درگیر این بیماری هستند به آن مبتلا شده‌اند. گروهی فوت کرده‌اند و گروهی هم هنوز منتظر هستند به بیماری مبتلا شوند. با وجود اینکه چشم‌امیدی به واکسن دوخته شده و سرعت پوشش واکسیناسیون در سطح دنیا در حال افزایش است اما ممکن است حتی تا یکسال دیگر هم درگیر این بیماری بسیار مرموز باشیم. نکته حائز اهمیت این است که از ابتدای شیوع کرونا گمان می‌کردیم ویروس کووید ۱۹ نیز مانند بسیاری از ویروس‌های دیگر پس از ابتلای فرد ایمنی یا ایمنی نسبی بیماری را به دنبال خواهد داشت. اما واقعاً به این موضوع فکر نکرده بودیم افرادی که از این بیماری جان سالم به در می‌برند می‌توانند زندگی سالمی داشته باشند یا خیر؟ تا اینکه مطالعه انجام شده در کشور آمریکا نشان داد یک سوم افرادی که به فرم شدید بیماری مبتلا شده‌اند و جان سالم به در بردند دیگر نتوانستند به شغل سابق خویش بازگردند. چراکه جنبه‌های عمده روانشناختی این بیماری آنها را درگیر کرده بود. بسیاری از افرادی که به دلیل ابتلا به بیماری شغل خود را از دست دادند و به ورطه فقر فرو رفتند دچار جنبه‌هایی از افسردگی شدند. اختلال خواب، دردهای عضلانی و حتی تغییر خلق و خو از دیگر مشکلات روانی است که در نجات یافتگان از این بیماری پدیدار می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت عوارض روانشناختی این بیماری بسیار بیشتر و جدی‌تر از عوارض آن روی اعضای مختلف بدن است. در حال حاضر طبق آمار پزشکی قانونی، تعداد موارد خودکشی نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. پس باید به دقت بررسی شود که چه تعدادی از مرگ‌های خودخواسته به عوارض روانی بیماری کرونا مربوط می‌شود تا برای رفع آن برنامه‌ریزی دقیق صورت پذیرد. سندروم خستگی مزمن نیز عارضه دیگری است که باعث می‌شود بسیاری از این افراد نتوانند کار و فعالیت خود را بدرستی و مانند گذشته انجام دهند. در واقع اینها چیزی نیستند جز اثرات سوء یک عفونت ویروسی که بسیاری از متخصصان ریشه آن را در مسائل روان‌شناختی ناشی از بیماری کرونا می‌بینند و ممکن است گاهی تا ماه‌ها و حتی تا سال‌ها پس از مهار بیماری کرونا همراه بیمار باشد و زندگی عادی او را با اختلال مواجه کند.

میراث ویروس ناشناس



مصطفی معین
فعال سیاسی و
فوق‌تخصص آلرژی

با گذشت یکسال از شیوع بیماری کرونا، هنوز هم اطلاعات ما درباره جنبه‌های آسیب‌شناختی بیماری کرونا دقیق و کامل نیست و ابهاماتی نیز درباره پیامدهای بلندمدت آن وجود دارد. عفونت ویروسی کووید ۱۹ اندام‌های گوناگون بدن از جمله مغز و سیستم اعصاب را درگیر می‌کند و در دوره حاد آن علائمی مانند سردرد، احساس سرگیجه، عدم تمرکز، خستگی مفرط، درد عضلات، کم‌اشتهایی، از دست دادن حس چشایی و بویایی و حساسیت به نور در چشمان عارض شود. اگر درگیری شدیدتر باشد، التهاب مغز (انسفالیت) و مننژیت ویروسی یا سکنه مغزی رخ دهد که باید بیمار بستری شود و تحت مراقبت پزشکی قرار گیرد و ممکن است اثرات پایداری بر بیمار به جای گذارد. علاوه بر نفوذ ویروس و ایجاد التهاب در سیستم مغز و اعصاب که علائم بالینی آن گفته شد، برخی اختلالات روانپزشکی هم می‌تواند بروز یابد. بر پایه پژوهش‌های انجام گرفته، بروز اختلالات روانپزشکی در مبتلایان به کرونا دو برابر بیشتر از مبتلایان به سایر بیماری‌های عفونی در همان دوره بوده است. همچنین احتمال شیوع کووید ۱۹ در بیماران دچار اختلالات روانپزشکی ۶۵ درصد بیشتر از افراد دیگر است که دلیل این امر عدم مراجعه بموقع به پزشک پس از آغاز علائم کرونا یا عدم همکاری نسبت به رعایت توصیه‌های بهداشتی مانند زدن ماسک، حفظ فاصله اجتماعی یا شست‌وشوی منظم دست‌ها و آلودگی‌هاست. یکی از پیامدهای بیماری کرونا که به علت اضطراب و وحشت ناشی از نداشتن درمان اختصاصی و نبودن چشم‌انداز روشنی از آینده بیماری است، انگ یا استیگما است. انگ به بیمار، خانواده بیمار و حتی پزشک و دارو یا واکسن باعث عدم کنترل شیوع

بیماری و گسترش و تشدید آن می‌شود. اما درباره میراث کرونا برای جامعه بشری می‌توان گفت دو گروه پیامدهای مثبت و منفی را به دنبال خواهد داشت. از جمله پیامدهای منفی و آسیب‌های آن این است که دوران پساکرونا با عوارض پیچیده بهداشتی، روانی، اجتماعی و اقتصادی طولانی مدت همراه خواهد بود. فقر گسترش پیدا می‌کند و فاصله‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر می‌شود که پیامدهایی چون افزایش خشونت، اضطراب، افسردگی و سایر اختلالات روانپزشکی و آسیب‌های اجتماعی گوناگونی به دنبال آنها ظاهر می‌شود. کاهش سطح اعتماد و سرمایه اجتماعی، کاهش همبستگی و تشدید روحیه دشمن‌انگاری در مناسبات خانوادگی و اجتماعی و حتی [در روند] توسعه کشورها خود را نشان خواهد داد. نقش رسانه‌ها، آموزش‌های عمومی و ترویجی و سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی چه در دوره حاد بحران کرونا و چه در دوران پساکرونا در انگ زدایی و تعدیل شرایط و مشکلات می‌تواند تعیین‌کننده باشد. پیامدهای مثبت و موافقی که همه‌گیری کرونا برای جوامع داشته و خواهد داشت این است که ضعف‌های زیرساختی و ساختاری مدیریت بحران و نظام سلامت خود را نشان داد که می‌تواند فرصتی برای رفع آن ضعف‌ها تلقی شود. همچنین تغییر و اصلاح نوع نگاه و رویکرد انسان‌ها، جوامع و کشورها نسبت به محیط زیست و برنامه‌ریزی برای حفظ آن در چارچوب توسعه متوازن و پایدار مورد انتظار است. بهره‌گیری بسیار بیشتر از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای ارائه آموزش، ارتقای سطح سواد سلامت جامعه، سبک زندگی سالم و پرهیز از رفتارهای پرخطر، گسترش عدالت، ترمیم شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، تقویت فرهنگ صلح و همزیستی از دیگر مواردی است که به‌عنوان میراث کرونا باید مایه عبرت باشد و از فرصت‌های آن بهره‌گیری شود.

